

## بررسی و تبیین نقش اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام در مبارزه با استکبار\*

- راضیه ضیایی<sup>۱</sup>
- نفیسه آذربایجانی<sup>۲</sup>
- زهرا مسائلی<sup>۳</sup>

### چکیده

مبارزه با استکبار از مسائل مهمی است که ائمه علیهم السلام همواره به آن توجه داشته‌اند. از جمله شخصیت‌های بارز پیشرو در این زمینه، حضرت زهرا علیها السلام است که کمتر به نقش ایشان در مبارزه با استکبار پرداخته شده است. این نوشتار در پی اثبات آن است که حضرت فاطمه علیها السلام نیز همچون دیگر ائمه علیهم السلام در راه مبارزه با استکبار بسیار تلاش نمود. هدف از جستار حاضر، ارائه یک الگو و مصداق ویژه از زن

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشکده علوم قرآنی اصفهان، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (zia.raz@chmail.ir).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی اصفهان، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول) (azarbajani@quran.ac.ir).

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور آران و بی‌دگل (zahra.masaalii@gmail.com).

مبارز و استکبارستیزی است. در این پژوهش، نقش کلیدی آن حضرت در مبارزه با استکبار در ادوار مختلف زندگی ایشان و نیز از جنبه‌های مختلف استکبارستیزی با روش توصیفی - تحلیلی بیان گردیده است. استکبارستیزی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در دوران جنینی از طریق هم‌کلامی با مادر و دل‌داری او، در دوران کودکی به واسطه همراهی و همدردی با پدر در موقعیت‌های گوناگون، و در دوران جوانی به گونه‌های مختلف از جمله امدادسانی در جنگ‌ها و خطابه‌های ایشان پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ایفا شده است. از جنبه‌های مختلف استکبارستیزی، هرچند ایشان مبارزه تن‌به‌تن و مسلحانه نداشته است، اما این مبارزه را از دو طریق مبارزه رفتاری و جنگ نرم (تحصن سیاسی، اعتصاب سخن، بی‌توجهی به دشمنان، نفرین کردن، گریه کردن و...) و مبارزه گفتاری (خطبه‌ها، سخنان، ادعیه و...) در جامعه آن زمان انجام داده است.

**واژگان کلیدی:** حضرت زهرا علیها السلام، استکبارستیزی، استکبارستیزی رفتاری، استکبارستیزی گفتاری.

## ۱. مقدمه

واژه «کبر» با مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن کریم آمده است که ۴ مورد آن به استکبار ابلیس و بقیه به استکبار انسان اشاره می‌کند. در این آیات، به اقسام استکبار، مصادیق استکبار، صفات و ویژگی‌های مستکبران، زمینه‌ها و عوامل پدید آمدن استکبار، راه‌های مقابله با استکبار، آثار منفی استکبار در جامعه و... پرداخته شده است که همین امر، اهمیت استکبارستیزی نزد خداوند را می‌رساند. یکی از آثار ایمان به خدا، جهاد و مبارزه با استکبار و در یک کلمه، استکبارستیزی است. مسائلی همچون جهاد، امر به معروف، نهی از منکر و تبری، همگی در بحث استکبارستیزی به‌نحوی نقش داشته و جزء موارد ده گانه فروع دین می‌باشند؛ چراکه با امر به معروف و نهی از منکر، انسان اعتقاد خود را نسبت به معروف عدالت و نیکی در مقابل ظلم و استکبار اعلام می‌نماید و با تبری خود، انزجار نسبت به منکر ظلم و استکبار مستکبران را فریاد می‌زند و در مرحله آخر با جهاد و مبارزه با مستکبران، زیر بار ظلم و استکبار نمی‌رود و تن به ذلت نمی‌دهد. در این راستا، همه انسان‌ها نسبت به این مسئله مهم یعنی مبارزه با استکبار، موظف‌اند که کشمکش‌های فعالی داشته باشند و در برابر ظلم و

استکبار، چه در حیطه‌های کوچک و چه بزرگ، بی تفاوت و منفعل نباشند. از آنجا که اهل بیت (علیهم السلام) مصداق بارز عمل به قرآن و به عبارتی دیگر حاملان قرآن‌اند، در نتیجه خودشان جزء پیشگامان عمل به دستورات قرآنی می‌باشند و چون در قرآن به مسئله استکبارستیزی اهمیت زیادی داده شده است، بنابراین ائمه (علیهم السلام) در خط مقدم و صف اول مبارزه با استکبار قرار می‌گیرند.

«خلقت وجودی زن به گونه‌ای طراحی شده که با پیکار و جهاد جسمی سنخیت و تناسب ندارد و این مسئله باعث شده نقش زن در مسئله جهاد و مبارزه چندان بارز نباشد. اما با نگاه به تاریخ و سرگذشت شیرزان عرصه جهاد که اولین آن‌ها سیده نساء عالمین حضرت فاطمه (علیها السلام) است، این موضوع مشخص می‌شود که زنان نیز می‌توانند در جایگاه خود، نقش مؤثری ایفا کنند؛ هرچند که این مبارزه از جنس دیگری بوده و با جهاد مردان متفاوت باشد. جهاد آن بزرگوار در میدان‌های مختلف، یک جهاد نمونه است؛ در دفاع از اسلام، در دفاع از امامت و ولایت، در حکایت از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در نگهداری بزرگ‌ترین سردار اسلام یعنی امیرالمؤمنین (علیهم السلام) که شوهر او بود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۲۹).

در پژوهش حاضر، نقش حضرت زهرا (علیها السلام) در مبارزه با استکبار در ادوار مختلف، طی مراحلی که خواهد آمد - به همراه ترسیم فضای اجتماع آن زمان و شرایطی که وجود داشته است - بیان می‌گردد. استکبارستیزی حضرت زهرا (علیها السلام) از دو جهت بررسی می‌شود:

اول: استکبارستیزی حضرت زهرا (علیها السلام) در ادوار مختلف زندگی ایشان:

۱- دوران جنینی؛

۲- دوران کودکی؛

۳- دوران جوانی.

دوم: انواع مختلف استکبارستیزی حضرت زهرا (علیها السلام):

۱- استکبارستیزی رفتاری؛

۲- استکبارستیزی گفتاری.

در این مقاله، بیشتر به مبحث دوم پرداخته شده و مصادیق و توضیحات مربوط به آن ارائه می‌شود؛ هرچند برای کامل شدن مطالب، مبحث اول نیز به اختصار می‌آید.

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره استکبار و استکبارستیزی، کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در سه دسته ذیل تقسیم‌بندی نمود:

- ۱- استکبارستیزی از دیدگاه قرآن و حدیث؛
- ۲- استکبارستیزی در سیره اهل بیت علیهم‌السلام؛
- ۳- استکبارستیزی از دیدگاه امام و رهبری.

ذکر عناوین تمامی این مقالات به دلیل کثرت فراوان<sup>۱</sup> از حوصله مطلب خارج است؛ ولی برخی از مرتبط‌ترین آن‌ها از این قرار است: «بررسی روش‌ها و تکنیک‌های عملیات روانی در اسلام؛ مطالعه موردی دوران حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام» (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ «شیوه‌های مقابله با جنگ روانی در سیره حضرت زهرا علیها‌السلام» (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۵)؛ «حماسه سیاسی در سیره حضرت زهرا علیها‌السلام» (کاردوانی و غروی نائینی، ۱۳۹۳)؛ «بررسی سیره عملی حضرت زهرا علیها‌السلام در دفاع از ولایت» (طیبی، ۱۳۹۰). همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این مقالات به موضوع استکبارستیزی در سیره حضرت زهرا علیها‌السلام پرداخته نشده و یا چنانچه پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده باشد، به صورت کلی و گذرا و تنها راجع به اقدامات ایشان پس از رحلت نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. درباره حضرت زهرا علیها‌السلام نیز کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های زیادی وجود دارد که بخشی از آن‌ها به سیره، زندگی‌نامه و روایات حضرت زهرا علیها‌السلام و... پرداخته که موارد فوق نیز از موضوع نوشتار حاضر خارج است.

## ۳. معناسناسی لغوی و اصطلاحی کبر و استکبار و انواع آن

کبر: خلیل بن احمد در کتاب *العین*، کبر را گناهی از گناهان کبیره می‌داند، مانند اشتباهی از اشتباهات (فراهیدی، ۱۳۶۶: ۳۶۱/۵). دیدگاهی که ابن‌منظور در *لسان‌العرب* درباره استکبار بیان کرده است، «نپذیرفتن حق از روی عناد و تکبر» می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۳۶۹: ۱۲۶/۵). «وَالْكَبْرُ: مُعْظَمُ الْأَمْرِ، قَوْلُهُ عَزَّ وَعَلَا: ﴿وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ﴾ أَي مُعْظَمُ أَمْرِهِ».

۱. پس از احصاء مقالات، رقمی بالغ بر ۵۰ مقاله فارسی به دست آمد.

ویقولون: کِبْرُ سیاسةِ القومِ فی المالِ» (ابن فارس، ۱۳۶۲: ۱۵۳/۵).

زمانی که کلمه استکبار در کنار «ستیزی» قرار می‌گیرد، به معنای مبارزه با کسانی است که درصدد استضعاف دیگران هستند (قدیری، ۱۴۰۰: ۱۲). استکبارستیزی یعنی جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و غرور ناشی از آن به هر نحو ممکن (قربانی، ۱۳۹۴: ۴). دیدگاهی مطرح است که به مقتضای آن باید در مقابل استکبار ایستاد و به ستیزه و مقابله پرداخت، و این همان چیزی است که عقل، انسان را به آن فرا می‌خواند. به این دیدگاه، استکبارستیزی گفته می‌شود (میرسپاه و اشقری، ۱۳۹۹: ۱۲).

بر این اساس، استکبارستیزی به معنای مبارزه در برابر استکبار بوده و مستکبر شامل هر شخصی است که حق را از روی عناد و تکبر نپذیرد (نه فقط جریان استکباری اصطلاحی)؛<sup>۱</sup> خواه این شخص یا اشخاص در داخل امت باشند و یا افرادی در خارج از آن. مبارزه را نیز می‌توان به دو نوع فیزیکی و فکری (سخت و نرم) تقسیم نمود:

**الف) مبارزه فیزیکی (جنگ سخت):** حضرت زهرا (علیها السلام) در این نوع استکبارستیزی تنها به صورت غیرمستقیم نقش ایفا کرده و نقش مستقیم نداشته است.

**ب) مبارزه فکری (جنگ نرم):** در این دیدگاه، حضرت زهرا (علیها السلام) با استکبارستیزی خود، حق و باطل بودن گروه‌ها را مشخص فرمود. ایشان در جایگاه یک زن، موظف به دفاع از جان مسلمانان نبود! بلکه نوع استکبارستیزی حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) خطابی و لسانی بود؛ مثل بحث «جنگ روانی» که امروزه مطرح است. در واقع مبارزه حضرت زهرا (علیها السلام) به وجود آوردن یک انقلاب و جنگ روانی بود؛ یعنی جهادی مطابق با شأن دختر نبی (صلی الله علیه و آله) بودن.

#### ۴. استکبارستیزی حضرت زهرا (علیها السلام) در ادوار مختلف زندگی ایشان

از زمان تولد حضرت فاطمه (علیها السلام) تا زمان شهادت ایشان، در تمام سال‌ها و روزهای زندگی حضرت، «استکبارستیزی» به چشم می‌خورد.

۱. بر این اساس، دوباره تأکید می‌گردد که در سراسر این پژوهش، منظور از مبارزه الزاماً مبارزه فیزیکی و تن‌به‌تن نیست و منظور از استکبار نیز تصور عموم مبنی بر دشمنی خارجی که زورگو و قلدرمآب است، نبوده و هر جا که کلمه مستکبر و استکبارستیزی به کار رفته، معنای لغوی آن مراد بوده است.

#### ۱-۴. دوران جنینی

یکی از انواع استکبارستیزی، تقویت جبهه حق است؛ زیرا این اقدام در راستای یاری رساندن به جبهه‌ای است که اراده مخالفت با جبهه باطل را دارد؛ به این معنا که تقویت جبهه حق باعث می‌شود تا آن جناح توانایی بیشتری برای مبارزه با جبهه باطل پیدا نموده و بتواند در مقابل جبهه باطل ایستادگی کند. در دورانی که حضرت خدیجه ع باردار بود و شرایط سخت جامعه باعث احساس تنهایی ایشان می‌شد، صحبت کردن و دلداری حضرت زهرا ع به مادر، در حقیقت باعث تقویت روحیه حضرت خدیجه ع می‌گردید که همچنان در کنار پیامبر ص بماند و در نتیجه اسلام، که در آن زمان پیروان اندکی داشت، تقویت شود. بر اساس همین رویکرد، زمانی که حضرت زهرا ع هنوز متولد نشده و در عالم هستی حضور نیافته بود، تسکین‌دهنده مادر خود بود که خود این امر به نحوی استکبارستیزی با واسطه محسوب می‌شود. شرح این مطلب در روایت‌هایی که از منابع تاریخی به دست آمده، موجود است:

«فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا [وَتُسَكِّنُهَا] وَكَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ص فَدَخَلَ يَوْمًا وَسَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ لَهَا: يَا خَدِيجَةُ! مَنْ يُحَدِّثُكَ؟ قَالَتْ: الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَيُؤَنِّسُنِي» (مجلسی، ۱۳۸۶: ۸۰؛ رک: صدوق، ۱۳۷۶: ۵۹۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳/۳۴۰؛ قطب‌الدین راوندی، ۱۳۶۸: ۲/۵۲۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۲۵: ۲/۱۹۴؛ طبری، ۱۴۱۳: ۷۶)؛ هنگامی که خدیجه به حضرت زهرا حامله شد، فاطمه اطهر در رحم مادر با مادر گفتگو می‌کرد و او را امر به صبر می‌نمود. ولی خدیجه کبری این موضوع را از پیامبر ص پنهان می‌داشت تا اینکه یک روز پیامبر خدا ص نزد خدیجه کبری آمد و شنید که آن بانو با فاطمه زهرا سخن می‌گوید، فرمود: ای خدیجه! با که سخن می‌گویی؟! خدیجه گفت: این بچه‌ای که در رحم من است، با من سخن می‌گوید و مونس من است (قائم‌فرد، ۱۳۹۰: ۱۳).

همچنین در روایاتی دیگر آمده است:

- «وروی عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال: قال رسول الله ص: دخلت على خديجة ع وقد حملت بفاطمة ع وكانت وحدها تتكلم، فقالت: إن الجنين الذي في بطني يكلمني وأكلمه ولي به أنس في حال وحدتي» (شعرانی، بی‌تا: ۵۹/۱).

- «قَالَتْ فَاطِمَةُ الرَّهْرَاءُ ع: يَا أُمَّاهُ! لَا تَحْزَنِي وَلَا تَرْهَبِي فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ أَبِي» (دشمنی، ۱۳۹۲).

۲۶۳؛ اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۲۶۲۵/۷؛ مادر جان! اندوهگین نباش و ترس؛ زیرا پروردگار جهانیان یار و یاور پدرم (رسول الله) است.

## ۲-۴. دوران کودکی

با بررسی سیره معصومین (علیهم السلام) این نتیجه به دست می‌آید که ائمه اطهار (علیهم السلام) برای داشتن معرفت، محدودیت سنی نداشتند. بر همین اساس، رفتارهای حضرت زهرا (علیها السلام) در سنین کودکی بیانگر این مطلب است که ایشان از همان دوران، از دانش و معرفت بالایی راجع به ولایت و شناسایی دوست و دشمن و جهاد با استکبار برخوردار بود و این گویای علم و بصیرت دینی ایشان است. فاطمه (علیها السلام) همراه با پدر و مادر و دیگر ایمان‌آوردگان، شاهد روزهایی جانکاه بود و در این سختی شریک. او تلاش‌های شبانه‌روزی پدر را در راه گسترش اسلام به چشم می‌دید و برای حوادث آینده روزبه‌روز آبدیده‌تر می‌شد (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۶: ۲۳). هنوز در اوان کودکی و گذران سال‌های چهارم یا پنجم عمر شریفش بود که به نقل محدثان برای پیشرفت اسلام و مبارزه با شرک و بت‌پرستی، وظیفه دفاع از پدر گرامی‌اش را عهده‌دار گردید و در سخت‌ترین شرایط و خوفناک‌ترین جاهایی که حتی مردان دلاور جرئت حضور در آنجا را نداشتند، حضور می‌یافت و با تندی، دشمنان پیامبر را مخاطب قرار داده و دلیرانه علیه آنان قیام می‌کرد (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۹۴). در سیزده سالی که اسلام تازه شکل گرفته و هنوز نوپا بود، شرایط بسیار سختی بر مکه حاکم بود و حضرت زهرا (علیها السلام) در تمام این دوران سخت حضور داشت و مسلماً نوع استکبارستیزی ایشان در دوره خردسالی که هنوز پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و حضرت خدیجه (علیها السلام) در کنار ایشان بودند، با زمانی که آن‌ها رحلت فرمودند، متفاوت است. در زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در مکه، اجازه جهاد با مشرکان از سوی خداوند صادر نشده بود و به همین دلیل، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در این مدت جهادی نداشت؛ چراکه پایه‌های اسلام هنوز مستحکم نشده بود، و غزوات ایشان از سالی آغاز شد که آن حضرت به مدینه مهاجرت فرمود. بنابراین در دورانی که حضرت زهرا (علیها السلام) در مکه اقامت داشت، استکبارستیزی ایشان ظهور و بروز آشکاری نداشت؛ چون هنوز اجازه جهاد صادر نشده بود و خود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عنوان یک هسته مرکزی در جهت مبارزه با

استکبار، حضور فعال داشت و ضرورتی احساس نمی‌شد که حضرت زهرا علیها السلام همانند پدر ارجمندش در این زمینه نقش گسترده‌ای ایفا کند. البته حضرت زهرا علیها السلام همواره در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضوری فعال داشت و ایشان را در مسیر مبارزه دلداری داده و همراهی می‌فرمود. فاطمه علیها السلام تازه پا به سن هشت سالگی گذارده بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مأمور شد شبانه از مکه خارج شود و به مدینه هجرت نماید (جوکار و خلجی، ۱۳۹۳: ۱۲۲). فاطمه علیها السلام در آن وقت مادر را از دست داده بود و تنها کسی که او را سرپرستی می‌کرد و ملجأ و پناهش در محیط خانه و خارج بود، وجود مقدس پدر بزرگوارش بود. اما چون می‌دانست که ترویج دین و مبارزه با شرک و انحراف، مأموریتی الهی است، بدون هیچ‌گونه جزع و بی‌تابی، تنها در آن محیط پر از رعب و وحشت ماند تا آنکه پس از مدتی، علی علیه السلام او و چند تن دیگر از زنان را مخفیانه از مکه حرکت داد و به مدینه رساند. پس از ورود به مدینه، مادامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود، یعنی در طول ده سال، همه‌جا پشتیبانی صدیق برای پدر و همسرش در جنگ‌ها و پیش‌آمدهای سخت و ناگوار بود و با گفتار و کردار تا جایی که می‌توانست، موجبات دلداری و رفع اندوه آن‌ها را فراهم می‌ساخت و آن‌ها را به استقامت در برابر دشمنان دلگرم می‌کرد، و بدون شک اگر رخصت داشت تا شمشیر به دست گیرد و مانند سربازان جان‌نثار اسلام در معرکه جنگ نیز حاضر شود، این کار را هم می‌کرد؛ اما این تکلیفی بود که به دوش مردان گذارده شده بود و زنان جز در موارد ضروری و یا برخی امور مربوط به مداوای زخمیان، رخصت این کار را نداشتند (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۹۴). بر این اساس، استکبارستیزی حضرت در دوران کودکی به دو صورت ظهور و بروز یافت:

#### الف) همدردی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

ابن هشام در *السیرة النبویه* (ج ۱/۴۱۶) می‌نویسد: چند صباحی از مرگ ابوطالب نگذشته بود که مردی از قریش، مقداری خاکستر بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ریخت. حضرت با همین وضع وارد خانه شد. چشم دخترش فاطمه علیها السلام به پدر افتاد. برخاست و مقداری آب آورد و سر و صورت پدر را شست، در حالی که ناله دختر بلند بود و قطرات اشک



از گوشه دیدگانش سرازیر بود. پیامبر ﷺ دختر را تسلی داد و فرمود: «گریه مکن، خدا حافظ پدرت است» (سبحانی، ۱۳۷۷: ۱۷۳-۱۷۴؛ نیز ر.ک: رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۲۴).

مسلم در «باب ما لقی النبی ﷺ من أذى المشرکین والمنافقین» از کتاب صحیح (ج ۱۶۷/۳)، به سندش از ابن مسعود روایتی به این مضمون آورده است که روزی پیامبر ﷺ نزدیک خانه کعبه نماز می خواند و جمعی از مشرکان در مورد ریختن شکبه ای از شترانِ فلان قبیله بر سر و گردن پیامبر ﷺ در هنگام سجده ایشان، با هم صحبت می کردند و یکی از پست ترین افرادی که حضور داشت، انجام این کار را به عهده گرفت و آن را انجام داد. ابوجهل و اطرافیانش آن منظره را دیدند و خندیدند. ابن مسعود گوید: من ایستاده بودم و آن منظره ناگوار را مشاهده می کردم، ولی جرئت نداشتم که پیش بروم و آن شکبه پر از کثافت را از پشت سر پیغمبر بردارم. پیغمبر نیز همچنان در سجده بود و سر بر نمی داشت تا آنکه شخصی خود را به خانه آن حضرت رساند و دخترش فاطمه را از ماجرا خبردار کرد. فاطمه (علیها السلام) که دختر کوچکی بود، به سرعت خود را به مسجد رسانده و آن شکبه را برداشت و سپس رو به ابوجهل و اطرافیان او کرده و به سختی آن ها را دشنام داد (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۲۳-۲۴).

### ب) آگاه نمودن پیامبر ﷺ از نیرنگ مشرکان

از فاطمه (علیها السلام) روایت شده است که مشرکین قریش در حجر [اسماعیل] گرد آمده بودند. آن ها در آن مکان قرار گذاشتند که اگر پیامبر بدانجا آمد، همگی برخاسته، او را به اتفاق هم به قتل برسانند، و بر این راز، لات و منات و عزی را هم شاهد گرفتند. فاطمه (علیها السلام) گوید: چون این خبر بشنیدم، بر پیامبر وارد شدم، در حالی که گریان بودم و گفتار آنان را حکایت نمودم. رسول خدا ﷺ فرمود: ای دخترکم! همین جا بمان. آنگاه حضرت وضو گرفت و رهسپار مسجد شد. مشرکان چون مشاهده نمودند که پیامبر داخل در مسجد گردیده است، سرها را بالا کرده، سپس به زیر افکندند. پیامبر مشتی خاک برداشته، به جانب آن ها پاشید. آنگاه فرمود: تیره باد رویتان! [فاطمه (علیها السلام) می فرماید: آن خاک به چهره ای اصابت ننمود، مگر آنکه در روز بدر به قتل رسید (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۶: ۲۲۹-۲۳۳)]. فاطمه (علیها السلام) خبرها را می شنید و به اطلاع پدر می رسانید تا مراقبت

بیشتری از خود نماید. این نشان می‌دهد که فاطمه علیها السلام نه تنها درون خانه که در بیرون نیز به فکر دفاع و نجات پدر بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۳۲).

#### ۳-۴. دوران جوانی

با ورود پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، اجازه جهاد از طرف خداوند صادر شد و حضرت زهرا علیها السلام با تقویت پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام در این جنگ‌ها، استکبارستیزی خود را ابراز می‌نمود.

#### ۱-۳-۴. حضور در جنگ‌ها

نوع جهاد حضرت زهرا علیها السلام در مقابل دشمن، به صورت امدادسانی، تهیه آذوقه، اصلاح ابزار جنگی، آب دادن و مداوای مجروحان جنگی بود و ایشان از این طریق با مستکبران زمان خود مبارزه می‌کرد که در ادامه، نمونه‌ای از آن آمده است.

#### الف) غزوه احد<sup>۱</sup>

در این غزوه، چهارده زن آمده بودند که فاطمه علیها السلام دختر پیامبر هم با ایشان بود. زن‌ها خوراکی و آشامیدنی بر پشت خود حمل می‌کردند و مجروحان را زخم‌بندی و مداوا کرده و به آن‌ها آب می‌رساندند (واقعی، ۱۳۶۹: ۱۸۰/۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این جنگ مجروح شد. فاطمه علیها السلام خون چهره پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌شست و علی علیه السلام با سپر خود آب می‌ریخت؛ ولی چون فاطمه علیها السلام دید که خون بند نمی‌آید، قطعه حصیری را سوزاند و خاکستر آن را بر زخم پاشید تا خون بند آمد (همان: ۱۸۱/۱). همچنین از جمله مبارزات رفتاری حضرت زهرا علیها السلام زمانی بود که مشرکان و دشمنان اسلام، حدود یک ماه مسلمانان را در محاصره آذوقه و خوراک قرار داده بودند و به دنبال آن، حضرت فاطمه علیها السلام به همراه زنانی از مدینه آذوقه تهیه می‌کردند و به میدان جنگ می‌بردند و به رزمندگان آب و نان می‌دادند و جراحاتشان را پانسمان می‌کردند (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۹۷-۹۸).

۱. غزوه احد در ماه شوال از سال سوم هجری، در محل احد در شش کیلومتری مدینه واقع شد (مؤذنی، ۱۳۷۸: ۱۵).

## ب) جنگ احزاب

جنگ احزاب (خندق) در شوال سال پنجم هجری اتفاق افتاد. هنگامی که جنگ طولانی شد، حضرت فاطمه علیها السلام از گرسنگی پدر باخبر گردید و قرص‌های نانی را که برای خود و فرزندانش تهیه کرده بود، به پیامبر صلی الله علیه و آله داد. ایشان حتی آذوقه اندکی را هم که داشت، به میدان جنگ آورده و در اختیار رزمندگان قرار می‌داد. حضرت زهرا علیها السلام همچون شیرمردان عرصه جنگ، دلیر و بی‌واهمه فقط از خدا می‌ترسید و برای دفاع از حق، پا در عرصه استکبارستیزی می‌نهاد؛ هرچند که این مبارزه در قالب پذیرایی از جنگجویان و پانسمان مجروحان بود. در پایان جنگ‌ها نیز حضرت زهرا علیها السلام شمشیر خون‌آلود پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌شست و برای جنگ و مبارزه‌ای دیگر آماده می‌کرد (حز، ۱۳۹۲: ۶۱؛ رک: مؤذنی، ۱۳۷۸: ۱۶ و ۱۸۶؛ سپهر، بی‌تا: ۱۹۶). به دنبال نگرانی مشرکان از لشکرکشی پیامبر به مکه، رئیسشان ابوسفیان را به مدینه می‌فرستند تا بلکه قرارداد صلح حدیبیه را تجدید کند. ابوسفیان به مدینه آمده، درصدد برمی‌آید تا کسی را پیش پیامبر اسلام واسطه و شفیع قرار دهد و منظور خود را عملی سازد، و چون کسی او را پناه نمی‌دهد، به خانه علی علیه السلام می‌آید و رو به فاطمه علیها السلام می‌کند؛ اما چنان با بی‌اعتنایی و منطق محکم فاطمه علیها السلام روبه‌رو می‌شود که یکسره خود را می‌بازد و غرور و نخوتش را کنار می‌گذارد و رو به علی علیه السلام می‌کند و از ایشان کمک می‌خواهد (حز، ۱۳۹۲: ۹۷-۹۸).

## ج) حضور در فتح مکه

در داستان فتح مکه (در ماه رمضان سال ششم هجری) که بزرگ‌ترین فتح پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله محسوب می‌شود و پس از مبارزات طولانی بیست‌ساله با طرفداران شرک و بت‌پرستی، اکنون ستاد مرکزی دشمنان توحید سقوط کرده و به دست مسلمانان افتاده است، باز هم نام فاطمه علیها السلام به چشم می‌خورد (همان: ۹۸). ایشان همراه پدر به مکه آمده و خیمه‌ای در بالای شهر مکه برپا می‌کند و چون خیال پیامبر از مقاومت بت‌پرستان و مشرکان آسوده می‌شود، به خیمه فاطمه می‌آید و به نزد زنان دیگری که همراهش آورده بود، نمی‌رود و فاطمه وسایل غسل و شستشو و نظافت پیامبر را فراهم

نموده، با جامه خود برای ایشان پرده می‌زند و چون کار غسل و نظافت به پایان می‌رسد، جامه بر تن پدر می‌پوشاند و آن حضرت را به سوی مسجدالحرام و خانه خدا می‌فرستد. فاطمه علیها السلام در همه جا مراقب حال پدر و پشتیبانی دلسوز برای حضرت بود (همان).

#### د) حمایت قاطعانه از همسر در فتح مکه

نقل شده است که امّ هانی، خواهر علی علیه السلام در روز فتح مکه دو تن از خویشان مشرک شوهرش را پناه داده بود. در این هنگام، امیرالمؤمنین علیه السلام وارد خانه شد و به طرف آن دو شمشیر کشید؛ اما امّ هانی مانع او شد. سپس ماجرا را برای حضرت زهرا علیها السلام نقل کرد و حضرت با تعجب به او فرمود: تو هم باید مشرکان را پناه دهی! بنا بر نقلی دیگر، حضرت زهرا علیها السلام در مقام دفاع از همسر برآمد و رو به امّ هانی کرد و فرمود: ای امّ هانی! تو از اینکه علی علیه السلام دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا را ترسانیده و تهدید کرده است، آمده‌ای به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شکایت کنی؟! (اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۱۳۶۷/۴).

#### ۲-۳-۴. حضور در بیعت زنان (سال نهم هجری)

آن طور که تاریخ گواهی می‌دهد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال نهم هجرت، پس از فتح مکه که در بیستم ماه رمضان سال هشتم واقع شد، به طور رسمی از بانوان بیعت گرفت که در انجام یک سلسله مسائل اعتقادی و تکلیفی همچون مردها متعهد بوده، نیز از یک سلسله انحراف‌های فکری و اخلاقی رایج در جامعه آن، به طور جدی پرهیز نمایند. آنان هم در بیعت، پیمان را پذیرفته و مفاد آن را به کار گرفتند. حضرت فاطمه علیها السلام نیز در مراسم بیعت در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حاضر بود و شرکت داشت (صادقی اردستانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶).

#### ۳-۳-۴. حضور در مراسم مباهله (ذی حجه سال نهم هجری)

از صحنه‌های مهم اجتماعی که حضرت فاطمه علیها السلام در آن حضور داشت، مراسم «مباهله» در سال نهم هجری است و این هم یکی از اسناد فضیلت و عظمت و حضور حضرت فاطمه علیها السلام در صحنه اجتماع به منظور دفاع از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و محافظت از کیان پر عظمت اسلام می‌باشد (همان: ۱۱۷-۱۱۹).

## ۵. انواع استکبارستیزی حضرت فاطمه (علیها السلام)

توجه به روش‌های مبارزه در حماسه سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام)، از ملزومات اصلی کسب شناختی کلی از ابعاد این حماسه است. ایشان از روش‌های متفاوت و متناسب با زمان و مخاطب خویش استفاده می‌نمود (کاردوانی و غروی نائینی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). گفتمان‌های حضرت از مهم‌ترین شیوه‌های مبارزاتی ایشان در مقابله با دشمنان است؛ هرچند اقدامات رفتاری ایشان نیز حائز اهمیت می‌باشد (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). در ادامه، استکبارستیزی حضرت زهرا (علیها السلام) از جهت رفتاری و گفتاری بررسی شده است.

### ۱-۵. استکبارستیزی رفتاری

حضرت فاطمه (علیها السلام) در مقابله با تحولات جامعه و دفاع از خط مشی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رویکردهای مختلفی را اتخاذ کرده و در ابطال جریان‌های انحرافی زمان خود و هشدار به مسلمانان درباره لزوم بازگشت به سیره نبوی، اقدامات و بیاناتی داشت. لذا شناخت سیره سیاسی ایشان در مواجهه با جنگ نرم در زمان فعلی، مؤثر و پرکاربرد است (همان). حضرت زهرا (علیها السلام) مخالفت خود را با دشمنان مستکبر به طرق مختلف ابراز می‌فرمود؛ البته ابراز مخالفت از نوع فاطمی نه از نوع علوی، که در ادامه، توضیح برخی از این موارد آمده است.

### ۱-۱-۵. گریه کردن

مشی و روش فاطمه (علیها السلام)، مشی اعتراض، بی‌اعتنایی، عدم تأیید دستگاه رهبری، به محاکمه و استیضاح کشاندن رهبر و خلیفه وقت امت، مشی مظلومیت، و سرانجام آنگاه که فریاد به جایی نرسد، گریستن است؛ آن هم نه برای خالی کردن عقده دل، بلکه برای بیدار کردن و متوجه ساختن اذهان به سویی که در آنجا حقی را زنده دفن کرده‌اند (حز، ۱۳۹۲: ۶۷). گریه‌های حضرت در دو موقعیت زیر بوده است:

#### الف) گریه حضرت فاطمه (علیها السلام) در جنگ احد برای حضرت حمزه (علیها السلام)

هنگامی که سپاه اسلام به مدینه رسید، همه مردم برای کشته‌های خود گریستند و حضرت زهرا (علیها السلام) نیز برای حضرت حمزه (علیها السلام) اقامه نوحه و عزاداری کرد. در جنگ

احد نیز ایشان این عمل (گریه و نوحه) را بسیار انجام می‌داد و این اقامهٔ عزا در واقع نوعی استکبارستیزی است؛ چراکه امروزه نیز مردم اقامهٔ عزا می‌کنند، به راهپیمایی می‌روند و شعار می‌دهند و این‌ها همه، مصادیق استکبارستیزی و اعلان برائت از دشمن است (شهیدی، ۱۳۶۰: ۶۶).

### ب) گریه‌های ۹۵ روزه در بیت‌الاحزان

پس از رحلت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام همواره گریان بود و گریه‌های حضرت به قدری زیاد بود که مردم از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام درخواست کردند تا از ایشان بخواهد که یا شب گریه کند و یا روز! سرانجام با اعتراض مردم، امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام بیت‌الاحزانی را خارج از شهر برای حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بنا کرد تا ایشان در آنجا به عزاداری بپردازد (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۰: ۱۶۲؛ ر.ک: سپهر، بی‌تا: ۱۹۶؛ جوکار و خلجی، ۱۳۹۳: ۱۰۰؛ قمی، ۱۳۹۰: ۲۳۷-۲۳۸؛ رحمانی همدانی، ۱۳۷۳: ۷۵۸). کاروان‌هایی که از آنجا عبور می‌کردند، با دیدن این منظرهٔ غم‌انگیز به فکر فرو می‌رفتند و برایشان سؤال ایجاد می‌شد! منظور از گریه‌های حضرت صدیقه عَلَيْهَا السَّلَام افشاگری و درس برای مردم مدینه و مردم همهٔ زمان‌ها بود. این گریستن‌ها که همراه با سخنانی تأمل‌برانگیز بود، این سؤال را در اذهان ایجاد می‌کرد که چرا فاطمه این قدر گریه می‌کند و چرا با گذشت زمان، مصیبت پدر را فراموش نمی‌کند؟! (طیبی، ۱۳۹۰: ۱۰).

### ۵-۱-۲. زیارت شهدای احد (قبر حضرت حمزه عَلَيْهِ السَّلَام) و اقامهٔ عزا بر آنان

حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام هر دوشنبه و پنجشنبه به کوه احد رفته و بر سر قبر شهدای احد و حضرت حمزه عَلَيْهِ السَّلَام به عزاداری و گریه می‌پرداخت و هنگامی که افرادی از آنجا عبور می‌کردند و از آن حضرت دلجویی کرده، علت عزاداری ایشان را جویا می‌شدند و در مورد گریه‌های ایشان سؤال می‌پرسیدند، حضرت صدیقه عَلَيْهَا السَّلَام همه را به سوی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام متوجه می‌ساخت. از حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام هنگامی که در احد بر مزار حضرت حمزه عَلَيْهِ السَّلَام عزاداری می‌کرد، پرسیدند: چرا مردم بر ضد علی عَلَيْهِ السَّلَام اقدام کردند و حق مسلم او را غصب کردند؟ حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام پاسخ داد: این همه کینه‌توزی‌ها از جنگ بدر، و انتقام‌جویی‌ها از جنگ احد است که در دل‌های منافقان پنهان بود؛ اما

روزی که حکومت را غصب کردند، تمام آن کینه‌ها و حسادت‌ها را بر ما فرو ریختند (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۶: ۷۱-۷۰؛ ر.ک: مهدی، ۱۳۹۱: ۱۸۵؛ قائم‌فرد، ۱۳۹۰: ۲۵۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۰۵/۲، به نقل از: دشتی، ۱۳۹۲: ۳۳). در هیچ‌یک از منابع تاریخی، چنین چیزی ثبت نشده است که مردم از حضرت زهرا (علیها السلام) راجع به گریه‌های شبانه‌روزی ایشان سؤال پیرسند و حضرت، علت گریه خود را در مصیبت فقدان پدر و درد سینه و جراحات و صدمات وارده توسط دشمن به صورت و بدنش خلاصه کند؛ بلکه با وجود تمام رنج‌های جسمی و روحی که به ایشان وارد شده بود، باز هم دیگران را به سمت امام زمانشان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) متوجه نموده و در پاسخ آن‌ها می‌فرمود: «أَنْسَيْتُمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ؟» (غدیر: ۱۹۷/۱، به نقل از: دشتی، ۱۳۹۲: ۲۹)؛ آیا روز غدیر را فراموش کردید؟ اقامه عزا توسط حضرت فاطمه (علیها السلام) نوعی اقدام عملی در برابر استکبار دشمنان بود؛ بدین صورت که با برگزاری مراسم روضه و بزرگداشت، نارضایتی خود را از دشمنان ابراز می‌فرمود.

### ۳-۱-۵. رفتن به درب خانه مهاجرین و انصار

حضرت فاطمه (علیها السلام) چهل شب به همراه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به درب خانه مهاجرین و انصار می‌رفتند تا سفارش‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره جاننشینی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به آن‌ها یادآوری کنند (و با این کارشان، حتی اگر کسی به ایشان توجه نمی‌کرد حجت را بر آن‌ها تمام می‌کردند). اما در این میان، تنها چهار نفر (سلمان، ابوذر، مقداد و زبیر) بودند که ایشان را اجابت کرده و اعلام آمادگی نمودند (جوکار و خلجی، ۱۳۹۳: ۹۳-۹۴؛ ر.ک: رشاد، ۱۳۹۳: ۳۱۰-۳۱۱/۳، به نقل از: مهدی، ۱۳۹۱: ۴۸).

### ۴-۱-۵. دفاع جانانه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آغاز فتنه

یکی از دوره‌هایی که حضرت زهرا (علیها السلام) از دانش خود برای پیشبرد اهدافش بهره برد، پس از رحلت پدر بزرگوارش بود که پس از غصب خلافت، با بصیرت سیاسی خود به مواجهه با گروه‌های انحرافی پرداخت و از مهم‌ترین اصل اسلامی یعنی ولایت که در قرآن با عنوان اکمال نعمت یاد شده، به دفاع برخاست؛ اصلی که سعادت و هدایت بشریت در گرو آن می‌باشد، ولی متأسفانه نادیده گرفته شده است (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱؛ ر.ک: جوکار و خلجی، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۸۹؛ عطاردی قوچانی، ۱۳۸۶: ۲۳؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵-۱۶).

زمانی که پیامبر ﷺ رحلت فرمود، نوع استکبارستیزی حضرت زهرا ؑ نیز تغییر کرد؛ زیرا شرایط اقتضا می‌کرد که حضرت از حالت غیرمستقیم، به‌طور مستقیم وارد میدان بشود؛ چراکه به‌دلیل عدم حضور پیامبر ﷺ، حرمت‌ها شکسته شده بود و دشمنان برای امیرالمؤمنین ؑ جایگاهی قائل نبودند. بنابراین در چنین شرایطی، حضرت فاطمه ؑ باید نقش آشکار و گسترده‌ای را ایفا می‌فرمود. در همین راستا، اولین اقدام ایشان برای دفاع از حق و ظلم‌ستیزی، حضور در پشت در و جلوگیری از ورود دشمنان مستکبر به داخل خانه به‌منظور بیعت گرفتن از امیرالمؤمنین ؑ بود. حضرت فاطمه ؑ حتی زمانی که دشمنان می‌خواستند امیرالمؤمنین ؑ را به اجبار برای بیعت با ابوبکر به مسجد ببرند، کمر بند مولا را گرفت و با وجود ضرباتی که توسط دشمنان به ایشان وارد شد، باز هم از حق و ولایت دفاع کرد. نکته قابل توجه این‌که حضرت صدیقه ؑ با وجود بیماری و حال جسمی و روحی نامساعد به‌خاطر ضربات و اذیت‌های دشمنان، حتی لحظه‌ای استکبارستیزی را رها نکرد و همچنان به مقاومت در راه حق ادامه داد.

### ۵-۱-۵. تحصن در خانه حضرت زهرا ؑ

پس از برپا شدن سقیفه بنی‌ساعده و به خلافت رسیدن ابوبکر، عده‌ای از صحابه که به خلافت وی معترض بودند، به نشانه ابراز مخالفت سیاسی با حکومت وقت و با هدف امتناع از انجام بیعت با ابوبکر، در خانه حضرت فاطمه ؑ گرد هم آمدند. از جمله اطلاعات ما این بود که: وقتی خداوند جان پیامبرش را گرفت، علی و زبیر و اطرافیانشان در خانه فاطمه از ما سرپیچی کردند. آمادگی برای استمرار این تحصن (پایداری و استواری در این تحصن) تا آنجا بود که برخی منابع به‌صراحت از برداشتن سلاح توسط تحصن‌کنندگان یاد نموده‌اند. هنگامی که برای ابوبکر پس از پیامبر خدا ﷺ بیعت گرفتند، علی ؑ و زبیر نزد فاطمه ؑ دختر رسول خدا ﷺ می‌رفتند و با او مشورت می‌کردند و به کارشان باز می‌گشتند (بنابراین تحصن به معنای حضور همیشگی مخالفان در بیت فاطمه ؑ نمی‌باشد). و در روایتی آمده است: زبیر و مقداد به همراه گروهی از مردم به نزد علی - در حالی که او در خانه فاطمه ؑ بود - آمد و شد



داشتند و با او به مشورت می‌پرداختند و در مورد کارشان با هم گفتگو می‌کردند<sup>۱</sup> (لباف، ۱۳۹۰ الف: ۴۱۶). بنا به سفارش پیامبر گرامی (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)، امیر مؤمنان (عَلَيْهِمَا السَّلَام) پس از تجهیز و دفن آن حضرت، در منزل خود عزلت‌گزید (مسعودی، ۱۴۰۴: ۱۴۵-۱۴۶). گروهی از بنی‌هاشم و مهاجرین و انصار به همراه عباس و زبیر و مقداد و... -که از بیعت با ابوبکر ناراضی بودند- به منظور ابراز مخالفت با وی نزد امیر مؤمنان (عَلَيْهِمَا السَّلَام) آمدند تا با حضرت بیعت کنند (مهدی، ۱۳۹۱: ۴۰).<sup>۲</sup> وقتی خبر به عمر بن خطاب رسید، بیرون آمد و نزد فاطمه رفت و گفت: ای دختر رسول خدا! اگر باز این جماعت نزد تو گرد هم آیند، فرمان دهم که خانه بر سرشان به آتش کشیده شود. راوی گفت: وقتی عمر بیرون رفت، [تحصن‌کنندگان] نزد آن بانو گرد آمدند. آن حضرت فرمود: دیدید که عمر پیش من آمد و به خدا سوگند خورد که اگر نزد من بازگردید، خانه را بر سرتان به آتش می‌کشد، و قسم به خدا که او -به آنچه برایش سوگند خورده- عمل می‌کند. «فَأَنْصَرِفُوا رَاشِدِينَ» و به صلاح‌دید خود عمل کنید و نزد من بازنگردید. آن‌ها از وی فاصله گرفتند و نزدش بازنگشتند تا زمانی که با ابوبکر بیعت کردند<sup>۳</sup> (لباف، ۱۳۹۰ ب: ۴۲۵).

با بررسی نقل‌های به‌دست‌آمده از ماجرای تحصن در خانه حضرت زهرا (علیها السلام) درمی‌یابیم که ایشان در هدایت مسیر تحصن -که در اعتراض به خلافت ابوبکر شکل گرفته بود- نقشی ویژه (رهبری معنوی تحصن) را بر عهده داشت. انتخاب بیت فاطمه (علیها السلام) به‌عنوان

۱. ابن ابی‌عاصم شیبانی (متوفای ۲۸۷) و احمد بن عبدالعزیز جوهری (متوفای ۳۲۳) می‌نویسند: «إِنَّهُ جِئَ بُوعِ لَأَبِي بَكْرٍ -بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ- كَانَ عَلِيٌّ وَالزُّبَيْرُ يَدْخُلُونَ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَيُشَاوِرُونَهَا وَيَرْجِعُونَ فِي أَمْرِهِمْ. وَفِي رِوَايَةٍ: كَانَ الزُّبَيْرُ وَالْمَقْدَادُ يَخْتَلِفَانِ فِي جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ إِلَى عَلِيٍّ -وَهُوَ فِي بَيْتِ فَاطِمَةَ- فَيُشَاوِرُونَ وَيَتَرَاجَعُونَ أَمْرَهُمْ...» (مهدی، ۱۳۹۱: ۱۶۶).

۲. در این کتاب، منابع متعددی برای آن ذکر شده است: تاریخ طبری: ۲۰۲/۳؛ تاریخ یعقوبی: ۱۲۶/۲؛ العقد الفرید: ۲۵۹/۴؛ شرح ابن ابی‌الحدید: ۵۶/۲ و ۱۸۶/۱۵؛ کامل ابن‌اثیر: ۳۲۵/۲؛ السیرة الحلبیه: ۳۶۰/۳؛ الرياض النضرة: ۲۴۱/۱؛ تاریخ الخمیس: ۱۶۹/۲؛ جمل شیخ مفید: ۱۱۷.

۳. در کتاب *دراسة و تحلیل حول الهجوم علی بیت فاطمه (علیها السلام) آمده است: «تحصن در بیت فاطمه (علیها السلام) حضور در خانه فاطمه (علیها السلام) به نشانه استکاف از پذیرش بیعت با ابوبکر در روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه (دومین، سومین و چهارمین روز پس از رحلت رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ)) به وقوع پیوست [ر.ک: درخشان، عدنان، روزشمار فاطمیه: ۶۷]. تاریخ، اسامی برخی از متحصنین را به‌صراحت به ثبت رسانده است: عباس (العقد الفرید: ۲۵۹/۴)، زبیر (تاریخ طبری: ۲۰۲/۳)، مقداد (شرح حدیدی: ۵۶/۲)، طلحه (کامل ابن‌اثیر: ۳۲۵/۲)، سعد بن ابی وقاص (تاریخ الخمیس: ۱۶۹/۲)» (مهدی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).*

محل تحصن از یکسو، و مشورت متحصنین با حضرت زهرا علیها السلام از سوی دیگر، حکایت از محوریت شخصیت والای حضرت زهرا علیها السلام در ماجرای اعلانِ اعتراض سیاسی به خلافت ابوبکر دارد.

ابن ابی شیبَه (متوفای ۲۳۵ هجری) ماجرای تحصن را این گونه بیان می‌کند:  
 «كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَرَبِيعُ بْنُ أَبِي رَافِعٍ وَفَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَيُشَاوِرُونَهَا...» (همو، ۱۳۹۰ ج: ۳۰-۳۱)؛ علی و زُبَیر نزد فاطمه دختر رسول خدا می‌رفتند و از وی راهنمایی می‌گرفتند.

#### ۵-۱-۶. اعزام نماینده به نزد ابوبکر توسط حضرت زهرا علیها السلام

هنگامی که ابوبکر به خلافت رسید، افرادی را فرستاد تا فدک را از خادمان حضرت زهرا علیها السلام پس بگیرند. هنگامی که این خبر به حضرت فاطمه علیها السلام رسید، بسیار ناراحت شد، و به روایت یحیی بن بکیر که سند آن به عایشه می‌رسد، به شرحی که در صحیح بخاری ضبط است، حضرت فاطمه علیها السلام نمایندگانی را نزد ابوبکر فرستاد و پیام داد که آنچه خداوند در مدینه به رسول خدا صلی الله علیه و آله عطا کرده، میراث ماست، و آنچه از خمس اموال خبیر بر جای مانده، بهره ماست. آن جمله را باز ده و فدک را چنان که بود، باز گذار (سپهر، بی‌تا: ۱۲۲).

#### ۵-۱-۷. اعتصاب سخن (سکوت سیاسی)

گاهی بلندترین فریادها را باید از دهان سکوت شنید. سکوت زهرا علیها السلام توأم با خاموشی و رضایتمندی نبود. زهرا علیها السلام در مسجد، جمعیت و خلیفه را چنان مجذوب و محکوم کرد که مجلس سخت متشنج شد و افکار عمومی به نفع زهرا علیها السلام رأی دادند و ابوبکر در بن‌بست سختی قرار گرفت و با پاسخ‌های بی‌محتوا جواب رد به آن حضرت علیها السلام داد. آن حضرت علیها السلام تصمیم گرفت که باز هم به مبارزات خود ادامه دهد و برای رسوا نمودن باند نفاق و اتمام حجت با مردم، شیوه جدیدی انتخاب کرد و آن اعتصاب سخن بود و رسماً اعلام کرد که اگر فدک را به من پس ندهی، تا زنده هستم با تو صحبت نمی‌کنم. حضرت زهرا علیها السلام تا پایان زندگی با او حرف نزد و همیشه از او روی برمی‌گرداند (جوکار و خلجی، ۱۳۹۳: ۹۸).

### ۸-۱-۵. امتناع از پذیرش دشمنان و ندادن اجازه ورود به آنان

وقتی حضرت فاطمه (علیها السلام) دچار آن بیماری شد که به شهادت رسید، آن دو نفر برای عیادت حضرت زهرا (علیها السلام) آمدند و اذن ورود خواستند؛ ولی آن بانوی مظلومه اجازه نداد. پس از این جریان، عمر به حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و از ایشان اجازه خواست تا به همراه ابوبکر به عیادت حضرت زهرا (علیها السلام) بیایند و از ایشان عذرخواهی کنند. اما حضرت زهرا (علیها السلام) به ایشان اجازه ورود نداد تا اینکه با ضمانت امیرالمؤمنین (علیه السلام) توانستند ایشان را ملاقات کنند (قائم‌فرد، ۱۳۹۰: ۵۵۸).

### ۹-۱-۵. امتناع از جواب سلام به دشمنان و روی برگرداندن از آنها

هنگامی که ابوبکر و عمر با ضمانت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به ملاقات حضرت زهرا (علیها السلام) آمدند، با بی‌اعتنایی آن بانوی مظلومه روبه‌رو شدند؛ به طوری که حضرت صدیقه (علیها السلام) حتی جواب سلام آنها را نداد و صورت مبارکش را از ایشان برگرداند. آنان برخاستند و در مقابل صورت آن حضرت قرار گرفتند و این عمل را چند مرتبه انجام دادند و گفتند: ما آمدیم که از تو پوزش بطلبیم و رضایت حاصل کنیم، خواهش می‌کنیم که از ما درگذری و ما را مؤاخذه ننمایی (همان: ۵۵۹).

### ۱۰-۱-۵. عدم تکلم با دشمنان

در ملاقاتی که عمر و ابوبکر با حضرت زهرا (علیها السلام) داشتند، ایشان حتی یک کلمه با آن دو صحبت نکرد و حتی جواب سلام آنها را نداد<sup>۱</sup> و تنها با طرح یک سؤال درباره حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، آنان را مخاطب قرار داد و سپس از آزار و اذیت آنان به خدا شکایت کرد (همان: ۵۶۰؛ نیز ر.ک: اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۲۶۳۵/۷).

۱. در بحث جواب سلام دادن به گناهکار، همه مراجع تقلید می‌فرمایند که هرچند جواب سلام واجب است، ولی چون امر به معروف و نهی از منکر هم واجب است، از باب تراحم و بحث اهم و مهم کردن، امر به معروف و نهی از منکر از جواب سلام مهم‌تر است. لذا در جایی که حضرت زهرا (علیها السلام) می‌خواهد دشمنان را متوجه گناهشان بکند، طبق این قاعده فقهی، حتی جواب سلام آن دو را نمی‌دهد و این خود نوعی استکبارستیزی رفتاری است.

### ۱۱-۱-۵. نحوه تدفین حضرت زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام قبل از شهادت، علاوه بر اینکه به صورت شفاهی به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت کرده بود که ایشان را شبانه غسل و کفن و دفن نماید و شبانه بر ایشان نماز بخواند و به کسی اطلاع ندهد، این وصیت را حتی به صورت مکتوب هم نوشته بود. اهمیت این موضوع از آن جهت است که ایشان هرگز نمی‌خواست که دشمنان بر او نماز بخوانند و مکان قبرش را بدانند تا مظلومیت این بانوی بزرگوار در تمام عالم مشخص بشود و این وصیت، خود نوعی استکبارستیزی است که در تمام اعصار، همچنان ذهن افراد را به چالش می‌کشد که چرا ایشان چنین وصیتی کرد و چرا قبر آن حضرت مخفی است؟! (قمی، ۱۳۹۰: ۲۶۳؛ نیز ر.ک: بحار الانوار: ۲۱۴/۴۳، به نقل از: اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۲۶۳۳/۷).

### ۲-۵. استکبارستیزی گفتاری

هرچند که حضرت بیش از ۷۵ روز پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا نبود، اما در همه این ایام با تمام قوا در دفاع از حق پایدار بود. از این رو، حضرت با بیان صریح و روشنگر خود سعی داشت تا حقایق را به گوش مردم مدینه برساند و با جنگ روانی دشمنان در مدینه مقابله کند (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۲). حضرت زهرا علیها السلام در گفتارهای خود با دشمنان، با یکی از انواع مختلف عتاب، خطابه، احتجاج، اشاره به خطا و اشتباه مستکبر و یا محکوم کردن او، با جبهه استکبار مبارزه کرد که برخی از سخنان ایشان طولانی است، مانند خطابه که بیشتر در مسجد بوده، و برخی سخنان ایشان با مردم که نسبت به خطابه کوتاه‌تر است و احادیث ایشان که در عباراتی کوتاه به صورت سخنان منظوم و یا ادعیه از ایشان نقل شده است. این سخنان شامل موارد زیر است:

#### الف) سخنان ایشان در میان جمعی از کوچه و بازار

آنگاه که کودتاگران سقیفه تصمیم گرفتند به خانه ولایت تهاجم کنند، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمد و در آستانه درب ورودی منزل ایستاد و خطاب به مردم کوچه و بازار سخنانی فرمود (دشتی، ۱۳۹۲: ۱۱۴؛ نیز ر.ک: اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۱۳۳۲/۴).

ب) سخنان حضرت هنگام هجوم دشمنان به خانه ایشان هنگام جمع آوری قرآن بنا به نقل نویسندگان و راویان اهل سنت، گروهی از مخالفان خلافت ابوبکر نزد آن حضرت رفت و آمد می کردند. عمر نزد زهرا (علیها السلام) رفت و هشدار داد: اگر اینان بار دیگر در اینجا جمع شوند، دستور می دهم که خانه را همراه آنان به آتش کشند! فاطمه (علیها السلام) کنار درب منزل ایستاد و سخنانی را فرمود (مهدی، ۱۳۹۱: ۴۴).<sup>۱</sup>

### ج) احتجاج با ابوبکر و اعلام نارضایتی

ایشان در احتجاج خود با ابوبکر، مسائلی همچون فدک، جانشینی امیرالمؤمنین (علیها السلام)، اموال پیامبر (صلی الله علیه و آله)، باقی مانده خمس خیبر و... را از او مطالبه فرمود؛ اما در هیچ کدام از مسائل فوق، ابوبکر در برابر حضرت زهرا (علیها السلام) عقب نشینی نکرد. ابن ابی الحدید معتزلی سنی مذهب می نویسد: ابوبکر حاضر نشد چیزی به فاطمه (علیها السلام) بدهد. حضرت زهرا (علیها السلام) بدین جهت غضبناک شد و از او دوری گزید و تا هنگام وفات با او تکلم نکرد (بشارتی، ۱۳۹۲: ۲۸۷).

### د) عتاب حضرت زهرا (علیها السلام) به عمر از پشت در

هنگامی که دشمنان برای بیعت گرفتن از امیرالمؤمنین (علیها السلام) به خانه ایشان هجوم بردند، حضرت زهرا (علیها السلام) در عتاب به عمر سخنانی فرمود (مهدی، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۷).<sup>۲</sup>

### ه) عتاب حضرت زهرا (علیها السلام) به هنگام بیعت گرفتن از امیرالمؤمنین (علیها السلام)

پس از هجوم دشمنان به خانه امیرالمؤمنین (علیها السلام) و مجروح ساختن حضرت زهرا (علیها السلام) و سقط فرزند ایشان، باز هم حضرت صدیقه (علیها السلام) دست از مبارزه نمی کشد و قاطعانه دشمنان را مورد عتاب قرار می دهد (احمدی جلفائی، ۱۳۸۱: ۱۱۲).

۱. در این کتاب، منابع متعددی برای آن ذکر شده است: احتجاج: ۸۰؛ بحار الانوار: ۲۸/۲۰۴؛ المصنف لابن ابی شیبہ: ۱۴/۲۶۷؛ کنز العمال: ۵/۶۵۱؛ مسند فاطمة الزهراء (علیها السلام)، سیوطی: ۲۰-۲۱؛ جامع الاحادیث: ۱۳/۲۶۷؛ قره العینین: ۷۸؛ شرح ابن ابی الحدید: ۲/۴۵.

۲. منابع ذکر شده در این کتاب: الهدایة الکبری: ۴۰۷؛ بحار الانوار: ۱۹/۵۳.

### و) دفاع از امام در مسجد

آنگاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهراء علیها السلام وارد مسجد شد و در دفاع از امام سخنانی بیان فرمود (دشتی، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۷؛ نیز ر.ک: اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۱۳۳۲/۴).

### ز) دفاع از جان امام

پس از بردن امام به مسجد، عمر در آن ازدحام جمعیت، حضرت را با شمشیر برهنه تهدید کرد که اگر با ابوبکر بیعت نکنی، گردنت را می‌زنم. در این هنگام حضرت زهراء علیها السلام خطاب به ابوبکر سخنانی را فرمود (دشتی، ۱۳۹۲: ۱۲۷).

### ح) سخنان حضرت زهراء علیها السلام با امیرالمؤمنین علیه السلام

پس از ایراد خطبه فدک، حضرت زهراء علیها السلام حتی در گفتگوی خود با همسر در خانه دائماً استکبارستیزی خود را اعلام کرده و از شرایط موجود شکایت می‌کند (قائم‌فرد، ۱۳۹۰: ۴۱۱-۴۱۰). حضرت زهراء علیها السلام در تمام صحبت‌های خود با امیرالمؤمنین علیه السلام دائماً به صفت شجاعت ایشان اشاره کرده و گویا از طریق این گفتگو می‌خواهد به همه انسان‌های آن زمان و تمام زمان‌ها، نمونه یک انسان کامل را معرفی کند که در طول عمر خود هرگز تحت هیچ شرایطی زیر بار ظلم و استکبار نمی‌رود و تن به ذلت نمی‌دهد. حضرت زهراء علیها السلام در حین این گفتگوی دونفره، سؤالاتی از امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پرسد که هرچند هر دو بزرگوار جواب سؤالات را می‌دانند، اما این تخاطب برای آن است که ذهن تمام بشریت را که مخاطب این گفتگو هستند، به چالش بکشند تا مخاطبان در طول تمام اعصار با تصویری از نمای کلی وقایع، به تحلیلی جامع از تاریخ آن زمان دست یابند و نتیجه را خود به قضاوت بنشینند!

### ط) سخنرانی در جمع زنان مهاجرین و انصار

بیشترین استکبارستیزی حضرت فاطمه علیها السلام در دوران بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله اتفاق افتاد. نمونه‌ای از آن، زمانی است که حال ایشان رو به وخامت نهاد و زن‌ها به عیادت حضرت آمدند و ایشان در آن شرایط سختی که داشت، باز هم از اوضاع جامعه

و غفلت زدگی مردم شکوه کرد و زمانی که زنان می خواستند حضرت زهرا (علیها السلام) را دلداری بدهند و نسبت به ظلم هایی که در حق ایشان شده بود، عذر و بهانه بتراشند و درصدد توجیه برآیند، حضرت صدیقه (علیها السلام) با صراحت با آنان برخورد کرد و با اشاره به اینکه با واقعه غدیر برای کسی عذر و بهانه ای باقی نمانده است (ر.ک: *خصال صدوق*: ۱۷۳، به نقل از: دشتی، ۱۳۹۲: ۱۰۷)، تمام توجیهاات آنان را ابطال فرمود<sup>۱</sup> (صادقی اردستانی، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

### ی) سخنرانی در جمع مردان مهاجر و انصار

سوید بن غفله می گوید: زنان عیادت کننده، فرمایشات حضرت زهرا (علیها السلام) را برای مردان خود بازگو کردند. پیرو آن، عده ای از بزرگان مهاجرین و انصار به عنوان عذرخواهی نزد حضرت آمده، گفتند: ای سیده النساء! اگر ابوالحسن (علی (علیه السلام)) این مسئله را قبل از آنکه پیمانی ببندیم، به ما یاد آور می شد، سراغ دیگری نمی رفتیم. حضرت زهرا (علیها السلام) فرمود: از من دور شوید (بس کنید)، که با بهانه های بیهوده تان، عذر شما پذیرفته نیست و با کوتاهی های شما جای هیچ سخنی باقی نمانده است! (انصاری و رجایی، ۱۳۸۷: ۵۲). در آن روزها که دست کفر و شرک و نفاق، امام علی (علیه السلام) را به انزوا کشاند، حضرت زهرا (علیها السلام) در میان مهاجرین و انصار، سوابق مبارزاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را یک به یک برشمرد تا حجت الهی را تمام کند (دشتی، ۱۳۹۲: ۳۱).

### ک) وصیت به غسل و کفن و دفن در شب و عدم نماز حاکم بر او

حضرت فاطمه (علیها السلام) حتی در آخرین لحظات عمر شریفش با وصیت خود اعلام نارضایتی کرد از اینکه دشمنان به مراسم تدفین ایشان بیایند و بر ایشان نماز بخوانند که این خود نوعی استکبارستیزی است (نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۷: ۲۱؛ ر.ک: مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۶۵، به نقل از: اسحاقی و جمعی از فاطمه پژوهان، ۱۳۹۸: ۲۶۲۵/۷).

۱. «واعجاباه! أنسیتم یوم غدیر خم؟ سمعت رسول الله ﷺ یقول: علیٌّ خیرٌ من أُخلفه فیکم وهو الإمام والخلیفة بعدی وسبطای وتسعة من صلب الحسین (علیه السلام) أئمة أبرار لئن أطعموهم وجدتموهم هادین مهدیین ولئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم إلى یوم القیامة» (بحار الانوار: ۳۶/۳۵۳، به نقل از: صادقی اردستانی، ۱۳۸۶: ۱۷۲؛ احتجاج طبرسی: ۱/۱۴۶، به نقل از: دشتی، ۱۳۹۲: ۳۰؛ نیز ر.ک: اسحاقی، ۱۳۹۸: ۲۳۶۱/۷ و ۲۳۷۵-۲۶۴۲؛ امامی، ۱۳۹۱: ۳۷۰-۳۷۱؛ قائم فرد، ۱۳۹۰: ۴۳۹-۴۴۰؛ سپهر، بی تا: ۲۰۱؛ نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۷: ۱۹).

## ۵-۲-۱. خطابه

حضرت فاطمه علیها السلام با گفتن الحمد لله، خطبه خود را شروع کرد و با اشاره به اینکه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، عده‌ای کینه‌های خود را نسبت به اهل بیت علیهم السلام آشکار نمودند، به مردم هشدار داد و از اینکه ایشان را در برابر ظلم و استکبار یاری نکردند، اعلام نارضایتی نمود. ادامه ماجرا به علت کثرت مطالب به صورت گذرا اشاره شده است:

الف) خطبه حضرت زهرا علیها السلام در مسجد

پس از اینکه دشمنان به خانه امیرالمؤمنین علیه السلام هجوم آوردند و ایشان را به اجبار برای بیعت با ابوبکر بردند، حضرت زهرا علیها السلام با وجود صدماتی که به ایشان وارد شده بود، به همراه عده‌ای از زنان، خود را به مسجد رساند تا برای یاری امام و مبارزه با استکبار، نارضایتی خود را در جمع و حضور مردم اعلام نماید (عقیقی بخشایشی، ۱۳۹۴: ۱۸۱ و ۲۰۵؛ نیز ر.ک: مهدی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۷؛ جوکار و خلجی، ۱۳۹۳: ۸۹-۹۰؛ نعمتی پیرعلی، ۱۳۸۷: ۱۵).

## ب) خطبه فدک (بهترین اقدام برای استکبارستیزی)

حضرت زهرا علیها السلام به مسجد آمد و در خطبه‌اش مسائلی را که مردم در آن‌ها انحراف پیدا کرده و تغییر داده بودند، بیان فرمود (احمدی جلفائی، ۱۳۸۱: ۷۰-۹۰). با ابوبکر احتجاج کرد و در مقابل حدیث ساختگی ابوبکر که «ما انبیاء چیزی به ارث نمی‌گذاریم»<sup>۱</sup>، جواب محکم و قاطعی داد. لذا ایراد خطابه فدک که مسائل مهمی در مورد قیام، جهاد، امر به معروف، انذار، مبارزه با مشرکان، نکوهش سکوت در مقابل ظلم و بی‌تفاوتی نسبت به مظلوم، شکایت از غضب خلافت، خبر از عذاب ستمکاران، و نکوهش پیمان‌شکنان، در آن وجود دارد، در حقیقت نشانه‌هایی از استکبارستیزی حضرت فاطمه علیها السلام است.

۱. «نَحْنُ مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورَثُ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً، وَلَا دَارًا وَلَا عَقَارًا، وَإِنَّمَا نُورَثُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالْعِلْمَ وَالنُّبُوَّةَ، وَمَا كَانَ لَنَا مِنْ طُعْمَةٍ فَلَوْلِي الْأَمْرُ بَعْدَنَا أَنْ يَحْكُمَ فِيهِ بِحُكْمِهِ».



## ۲-۲-۵. ادعیه منقول از حضرت زهرا (علیها السلام)

حضرت زهرا (علیها السلام) در قالب ادعیه‌ای که در تعقیبات نمازهای خود خوانده است، در بخشی از محتوای این دعاها خواستار امنیت و حفاظت و نصرت الهی بوده و با نفرین دشمنان، از خداوند خواسته است که ایشان را در برابر شیطان و دوستان آنها و از شر هر شروری کفایت کند و با نزول بلاهایی همچون طوفان و... لشکریان دشمن را متفرق سازد و سلاح‌های آنان را از کار بیندازد و ستمگران را نابود کند. نتایج حاصل از بررسی این ادعیه، گویای این مطلب است که مضامین این دعاها بیشتر راجع به دشمنان و ظالمان است؛ به طوری که حضرت زهرا (علیها السلام) در دعاهاى خود، دائماً خواستار نابودی ظالمان و پیروزی حق بوده است و از آنجا که ایشان همواره استکبارستیزی خود را علناً نشان می‌داد، لذا دشمنان همیشه موجبات آزار ایشان را فراهم می‌کردند و حضرت از شر آنان به خدا پناه می‌برد و همین دعا کردن برای نابودی ظلم و استکبار، یک نوع استکبارستیزی است؛ همان‌گونه که امروزه شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دهیم.

## ۳-۲-۵. سخنان منظوم

پس از رحلت رسول خدا ﷺ و آشکار شدن ظلم و استکبار دشمنان و غصب حق اهل بیت (علیهم السلام)، حضرت زهرا (علیها السلام) به مزار پدر می‌رفت و در قالب اشعاری، از آشکار شدن

۱. «ومن المهمات، الدعاء عقیب الصلوات الخمس المفروضات بما كانت فاطمة سيدة نساء العالمین تدعو به» (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۶: ۳۶۶)؛ تعقیب نماز عصر: «... اللهم اجعل ثاری علی من ظلمنی، وانصرنی علی من عادانی» (همان: ۳۷۴)؛ تعقیب نماز مغرب: «... وبنیک محمد فالحقنی، ومن الشیاطین وأولیائهم ومن شر کل ذی شر فاکفی. اللهم أعدائی ومن کادنی بسوء إن أتوا برأ، فجین شجیعهم، فض جمعهم، کلل سلاحهم، عرقب دوائهم، سلط علیهم العواصف والقواصف أبداً حتی تصلیهم النار، أنزلهم من صیاصیهم، أمکننا من نواصیهم، آمین رب العالمین» (همان: ۳۸۴)؛ تعقیب نماز عشاء: «اللهم... واجعل علی جنة واقية منك، واجعل حفظك وحياتك وحراستك وكلائتك من ورائي وأممي وعن يميني وعن شمالي ومن فوقی ومن تحتی وحوالی حتی لا یصل أحد من المخلوقین إلى مکروهی و أذای، لا إله إلا أنت المئان، بدیع السماوات والأرض ذو الجلال والإکرام. اللهم اکفی حسد الحاسدين وبعی الباغين وکيد الکائدين ومکر الماکرین وحيلة المحتالین وغيلة المغتالین وغیبة المغتایین وظلم الظالمین وجور الجائرین واعتداء المعتدین وسخط المتسخطین وتسحب المتسحبین وصولة الصائلین واقتسار المقتسرين وغشم الغاشمین وخط الخاطیین وسعایة الساعین ونمیمة النمامین وسحر السحرة والمردة والشیاطین وجور السلاطین ومکروه العالمین» (همان: ۳۹۰).

کینه‌ها و فتنه‌ها، تحریف شدن ارزش‌ها، منحرف شدن امت از راه حق، سرانجام شوم دشمنان در رستاخیز، مظلوم واقع شدن اهل بیت علیهم‌السلام و غصب حق ایشان و ظلم‌هایی که نسبت به ایشان شده بود، شکایت می‌کرد و به نوعی با پدر خود درد دل می‌نمودند (مهدی، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۹؛ نیز ر.ک: احمدی جلفائی، ۱۳۸۱: ۹۹؛ سپهر، بی‌تا: ۱۹۰).

### الف) اشعار و نده‌های حضرت زهرا علیها‌السلام هنگام رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

هرچند که در این سخنان منظوم، حضرت زهرا علیها‌السلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را مخاطب خود قرار داده است، اما در حقیقت مخاطب ایشان، تمام بشریت است و مقصود حضرت فاطمه علیها‌السلام از خواندن این اشعار، افشاگری اعمال ظالمانه دشمنان اسلام و نشان دادن چهره واقعی ظالمان برای جهانیان است (احمدی جلفائی، ۱۳۸۱: ۹۹؛ ر.ک: سپهر، بی‌تا: ۱۹۰؛ مهدی، ۱۳۹۱: ۶۸-۶۹). فضا، خادم آن حضرت نقل می‌کند که گریه فاطمه علیها‌السلام در روز هشتم بیشتر شد و به سوی قبر حضرت رسول حرکت کرد و گروهی نیز به همراه ایشان بودند. در آنجا حضرت چند بیت مرثیه سرود که در قسمتی از آن چنین آمده است:

لَوْ تَرَى الْمِنْبَرَ الَّذِي كُنْتَ تَعْلُوهُ      عَالَهُ الظَّلَامِ بَعْدَ الصِّيَاءِ  
يَا إِلَهِي عَجَلٌ وَفَاتِي سَرِيْعًا      فَلَقَدْ تَنَغَّصَتِ الْحَيَاةُ يَا مَوْلَائِي<sup>۱</sup>

(اسحاقی و جمعی از فاطمه‌پژوهان، ۱۳۹۸: ۲۵۸/۸)

### ب) اشعار حضرت فاطمه علیها‌السلام خطاب به فرزندش

شخصیت حضرت صدیقه علیها‌السلام به قدری با استکبارستیزی عجین شده است که حتی در شعری که برای فرزند خود می‌سراید، این روحیه مبارزطلبی کاملاً نمایان است و گویا حضرت علیها‌السلام با مخاطب قرار دادن فرزندش در این شعر می‌خواهد این روحیه را در شخصیت فرزند خود نیز نهادینه کند.

۱. [پدرجان] اگر به منبری که بالای آن قرار می‌گرفتی، بنگری، [خواهی دید که] تاریکی بعد از روشنایی بر آن بالا رفته است. خدایا! مرگ مرا نزدیک گردان که حیات و زندگی بر من تاریک شده است، ای مولای من!

وكانت فاطمة (علیها السلام) ترقص ابنها حسناً وتقول:

أشبه أباك يا حسن  
واخلع عن الحق الرسن  
واعبد إلها ذا منن  
ولا تسوال ذا الإحن

حضرت زهرا (علیها السلام) هنگامی که حسن (علیها السلام) را به جست و خیز وامی داشت، چنین می فرمود: «ای حسن! شبیه پدرت باش، و طناب و ریسمان را از حق برکن، و پروردگار منان را بندگی کن، و با دشمنان و کینه توزان دوستی مکن» (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۶: ۳۵۰).

#### ۴-۲-۵. لعن و نفرین

حضرت زهرا (علیها السلام) از طریق لعن و نفرین دشمنان، بیزاری خود را از ظلم اعلان می فرمود که این خود نوعی استکبارستیزی ایشان محسوب می شود. بخاری از ابن مسعود، روایتی به این مضمون آورده است که در ماجرای انداختن شکنجه گوسفند بر پشت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، حضرت زهرا (علیها السلام) آمد و آن را برداشت و در حق کسانی که این کار را انجام داده بودند، نفرین کرد (رسولی محلاتی، ۱۳۷۵: ۲۴).

#### ۵-۲-۵. شکایت

حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) از طریق شکایت به درگاه الهی، از اینکه دشمنان و ظالمان حق ایشان را غصب نمودند و ایشان را مورد ستم و آزار قرار دادند، اعلام نارضایتی نمود که این خود نوعی استکبارستیزی ایشان محسوب می شود (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

### نتیجه گیری

در پژوهش حاضر، عصاره ای از مبحث نقش حضرت زهرا (علیها السلام) در مبارزه با استکبار به همراه ذکر جرعه کوچکی از مصادیق ارائه شد. گرچه استکبارستیزی حضرت فاطمه (علیها السلام) به قیمت صدمات و ضربات شدیدی به جسم ایشان و شهادت آن حضرت در سنین جوانی تمام شد، لکن حقایق ارزشمندی را برای انسان ها در طول تاریخ به اثبات رسانید؛ حقایقی همچون:

۱- اثبات توانمندی زنان برای حضور در صحنه های گوناگون اجتماع و مبارزه با ظلم و استکبار با استفاده از روش های مختلف گفتاری و رفتاری؛

۲- نفی تفکر «عدم حضور زن در اجتماع» و نقد انحصار حضور مردان در عرصه‌های سیاسی.

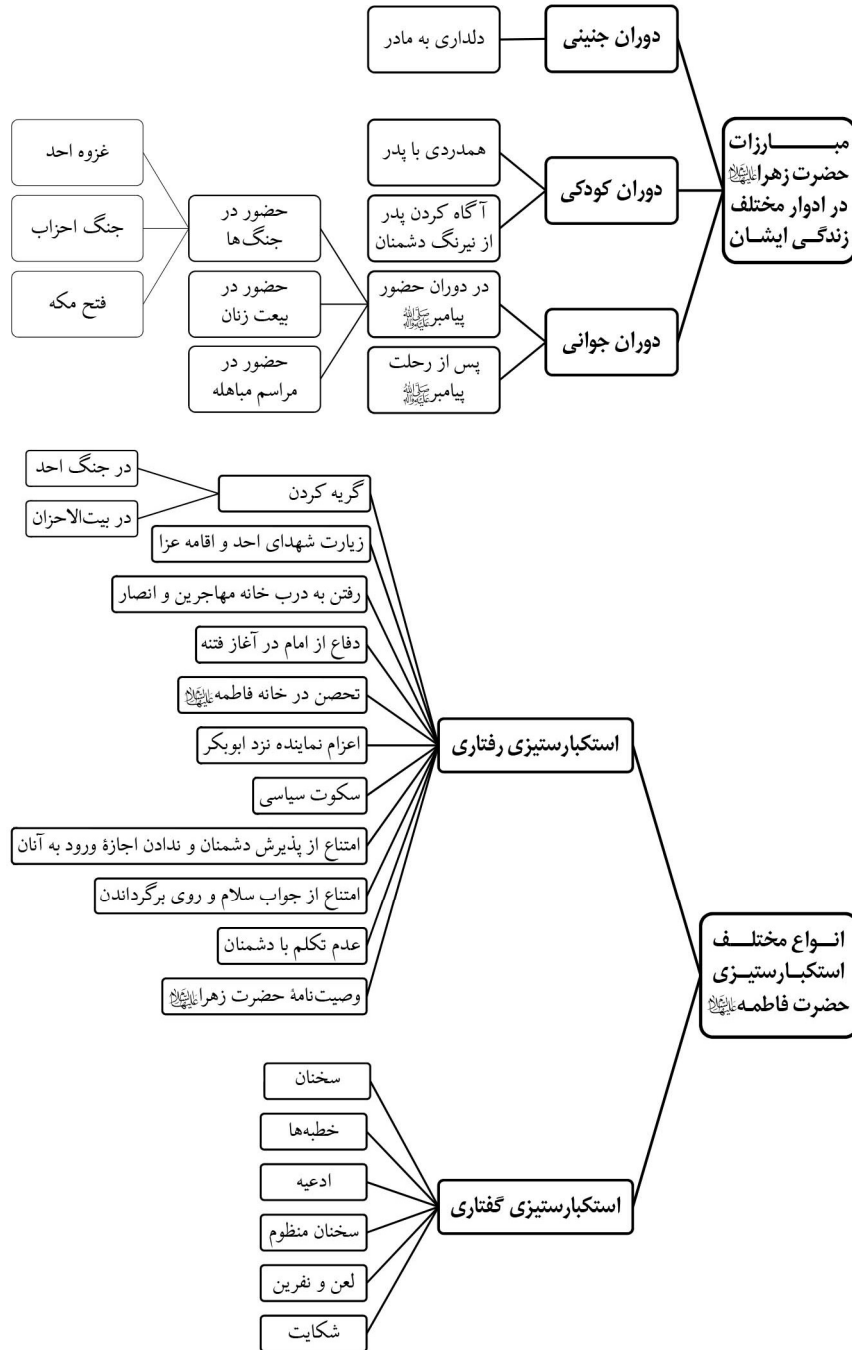
روش‌هایی که حضرت زهرا علیها السلام در مبارزه با استکبار اتخاذ نمود، تفاوت‌هایی با دیگر ائمه اطهار علیهم السلام دارد؛ از این جهت که مبارزه ایشان تن‌به‌تن و فیزیکی نبوده و به شکل جنگ نرم صورت گرفته است. این روش‌ها عبارت‌اند از:

- استکبارستیزی رفتاری از جمله: گریه کردن، زیارت شهدای احد و اقامه عزاء، رفتن به درب خانه مهاجرین و انصار، دفاع از امام علی علیه السلام در آغاز فتنه، تحصن مخالفان در خانه حضرت فاطمه علیها السلام، اعزام نماینده نزد ابوبکر، سکوت سیاسی، امتناع از پذیرش دشمنان و ندادن اجازه ورود به آنان، امتناع از جواب سلام به دشمنان و روی برگرداندن از آنان، عدم تکلم با دشمنان، وصیت‌نامه حضرت زهرا علیها السلام.

- استکبارستیزی گفتاری که در قالب سخنان، خطبه‌ها، ادعیه، سخنان منظوم، لعن و نفرین و شکایت، در این مقاله به آن‌ها اشاره شده است.

آنچه می‌توان در پایان افزود این مطلب است که حضرت زهرا علیها السلام نیز همچون دیگر ائمه علیهم السلام در راه مبارزه با استکبار تلاش‌های زیادی نمود تا جایی که جان خود را در راه استکبارستیزی و دفاع از حق فدا کرد. نکته قابل تأمل آنکه استکبارستیزی ایشان تنها منحصر به دوره جوانی نیست؛ بلکه حتی دوره جنینی و کودکی ایشان را نیز شامل می‌شود. استکبارستیزی حضرت علیها السلام در دوره جنینی از طریق همدردی با مادر و دلداری دادن به ایشان، در دوره کودکی از طریق همدردی با پدر و آگاه کردن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نیرنگ دشمنان، و در دوره جوانی با حضور در جنگ‌ها از جمله غزوه احد، جنگ احزاب، فتح مکه، حضور در بیعت زنان و حضور در مراسم مباحله، تبلور یافته است. اما به نقش ایشان در این زمینه کمتر پرداخته شده است؛ شاید به این دلیل که تصور عموم مردم درباره یک زن فعال مبارز، چندان عمیق نیست و این از آن جهت است که مبارزه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام با استکبار، از سنخ نبرد و پیکار مردانه در میدان‌های جنگ به وسیله شمشیر نبود، بلکه از نوع فاطمی و مطابق با جایگاه زنانه ایشان و شأن دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.

نمودارهای درختی:



## کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شهر آشوب سروری مازندرانی، ابوجعفر رشیدالدین محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)، قم، علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۳۶۹ ش.
۵. احمدی جلفائی، حمید، صحیفه فاطمیه (احادیث و کرامات حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام))، قم، زائر، ۱۳۸۱ ش.
۶. اسحاقی، سیدحسین، و جمعی از فاطمه پژوهان، فرهنگنامه فاطمی (نخستین فرهنگنامه موضوعی - الفبایی فاطمه الزهراء (علیها السلام))، قم، هاجر (ناشر تخصصی زن و خانواده)، ۱۳۹۸ ش.
۷. امامی، محمدجعفر، فاطمه بانوی بهشتی (شرح حال حضرت فاطمه (علیها السلام))، چاپ سوم، تهران، نشر بین‌الملل، ۱۳۹۱ ش.
۸. انصاری، محمدباقر، و سیدحسین رجایی، اسرار فدک (تحلیل اعتقادی تاریخی ماجرای فدک؛ متن کامل خطابه حضرت زهرا (علیها السلام))، چاپ پنجم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
۹. بشارتی، علی محمد، از عرش تا عرش (تحلیل زندگی سیاسی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام))، تهران، مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. جوکار، منصوره، و زهرا خلجی، زهرا (علیها السلام) و زیبایی‌ها (صد آموزه زیبا از سیره عملی فاطمه زهرا (علیها السلام))، ویراست پنجم، چاپ هشتم، قم، یاقوت، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. حرّ، سیدحسین، «نگرشی قرآنی بر حماسه‌های سیاسی اقتصادی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)»، فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۶، نیمه دوم بهار و نیمه اول تابستان ۱۳۹۲ ش.
۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بیروت، اعلمی، ۱۴۲۵ ق.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، انسان ۲۵۰ ساله (بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین (علیهم السلام))، قم، صهبا (ایمان جهادی)، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. خاکپور، حسین، ولی‌الله حسومی، و محبوبه خزاعی، «شیوه‌های مقابله با جنگ روانی در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال نوزدهم، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۵ ش.
۱۵. خزاعی، محبوبه، حسین خاکپور، و ولی‌الله حسومی، «بررسی روش‌ها و تکنیک‌های عملیات روانی در اسلام؛ مطالعه موردی دوران حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۱۶. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه الزهراء (علیها السلام)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین‌الملل، ۱۳۹۲ ش.
۱۷. رحمانی همدانی، احمد، فاطمه زهرا (علیها السلام) شادمانی دل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، ترجمه سیدحسین افتخارزاده سبزواری، تهران، بدر، ۱۳۷۳ ش.
۱۸. رسولی محلاتی، سیدهاشم، زندگانی حضرت فاطمه (علیها السلام) و دختران آن حضرت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۹. رشاد، علی‌اکبر، دانشنامه فاطمی (جلد سوم: حکمت و معارف فاطمی (علیها السلام))، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و

- اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. رضایی، زهرا، سهراب مروتی، و سهیلا همتی مامو، «نقش حضرت زهرا (علیها السلام) در دفاع از حریم ولایت»، ماهنامه معرفت، سال بیست و سوم، شماره ۱۹۶، فروردین ۱۳۹۳ ش.
۲۱. سبحانی، جعفر، *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام (ص)*، چاپ دهم، تهران، مشعر، ۱۳۷۷ ش.
۲۲. سپهر (لسان‌الملک)، میرزا محمد تقی، *ناسخ‌التواریخ (زندگانی حضرت فاطمه (علیها السلام))*، تهران، اسلامی، بی‌تا.
۲۳. شعرانی، حسین بن عبدالوهاب، *عیون المعجزات*، قم، آل عبا، بی‌تا.
۲۴. شهیدی، سید جعفر، *زندگانی فاطمه زهرا (علیها السلام)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
۲۵. صادقی اردستانی، احمد، *فاطمه الگوی زن مسلمان*، قم، امام عصر (علیه السلام)، ۱۳۸۶ ش.
۲۶. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الاصالی*، چاپ ششم، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم، *دلائل الامامة*، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۳ ق.
۲۸. طیبی، معصومه، «بررسی سیره عملی حضرت زهرا (علیها السلام) در دفاع از ولایت»، *دوفصلنامه منهاج*، سال هفتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲۹. عطاردی قوچانی، عزیزالله، *ترجمه مسند فاطمة الزهراء (علیها السلام)*، ترجمه محمدرضا عطایی، تهران، عطارد، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، *صدیقه طاهره (علیها السلام) بانوی بزرگ اسلام*، قم، نوید اسلام، ۱۳۹۴ ش.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۶۶ ش.
۳۲. قائم‌فرد، سید محمد، *تاریخ سیده‌النساء فاطمة الزهراء (علیها السلام)*؛ *زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام)* (ترجمه جلد ۴۳ بحارالانوار)، به اهتمام امور فرهنگی مجتمع فاطمیه اصفهان، اصفهان، دلیل ما، ۱۳۹۰ ش.
۳۳. قادیری، حسین، «امنیت ملی و ارتباط آن با وجوب استکبارستیزی در اسلام (با تمرکز بر امنیت اقتصادی)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اقتصادی*، سال اول، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۰ ش.
۳۴. قربانی، رضا، «مقایسه استکبارستیزی فریدون و کاوه در برابر ضحاک»، *فصلنامه رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، سال بیست و نهم، شماره ۲ (پیاپی ۱۱۶)، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۵. قطب‌الدین راوندی، ابوالحسین سعید بن هبة‌الله، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه الامام المهدي (علیه السلام)، ۱۳۶۸ ش.
۳۶. قمی، شیخ عباس، *ترجمه بیت‌الاحزان (شرح زندگانی حضرت زهرا (علیها السلام) از ولادت تا شهادت به همراه خطبه فدکیه)*، ترجمه و تحقیق مجتبی خورشیدی، چاپ پنجم، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۰ ش.
۳۷. قیومی اصفهانی، جواد، *صحیفه حضرت زهرا (علیها السلام)*، چاپ ششم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۳۸. کاردوانی، راحله، و نهله غروی نائینی، «حماسه سیاسی در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)»، *سقیفه؛ فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث*، سال یازدهم، شماره ۴۳ (ویژه پژوهش‌های فاطمی)، تابستان ۱۳۹۳ ش.
۳۹. کبایف، علی، *دانشنامه شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)*، چاپ دوم، تهران، منیر، ۱۳۹۰ ش. (الف)
۴۰. همو، *درسنامه‌های فاطمیه*، چاپ دوم، تهران، منیر، ۱۳۹۰ ش. (ب)
۴۱. همو، *راهنمای یاوران فاطمیه (مجموعه پرسش و پاسخ‌های پژوهشی)*، تهران، منیر، ۱۳۹۰ ش. (ج)

۴۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *جلاء العیون (زندگی چهارده معصوم علیهم السلام)*، به همراه شرح حال مؤلف)، چاپ دوم، مشهد، دامینه، واسع، ۱۳۸۶ ش.
۴۳. مسعودی هذلی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی، *اثبات الوصیة للامام علی بن ابی طالب علیهم السلام*، قم، منشورات الرضی، ۱۴۰۴ ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، *زهرائین برترین بانوی جهان*، قم، سرور، ۱۳۷۶ ش.
۴۵. مؤذنی، عباسعلی، *اگر نبود فاطمه علیها السلام*، تصحیح و ویرایش محمدعلی کوشا، قم، نهاوندی، ۱۳۷۸ ش.
۴۶. موسوی گرمارودی، ابوالفضل، *حضرت زهرائین بانوی بانوان*، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. مهدی، عبدالزهر، *نگرشی در اسناد و مدارک هجوم به خانه صدیقه طاهره علیها السلام از قرن اول هجری تا کنون (ترجمانی از کتاب الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام)*، بازنویسی محمدحسن غروی، چاپ چهارم، تهران، تک، ۱۳۹۱ ش.
۴۸. میرسپاه، اکبر، و علیرضا اشقری، «مبانی معرفت‌شناختی استکبارستیزی»، *ماهنامه معرفت*، سال بیست و نهم، شماره ۱۰ (پیاپی ۲۷۷)، دی ۱۳۹۹ ش.
۴۹. نعمتی بیرعلی، دل‌آرا، «سیره سیاسی حضرت زهرائین علیها السلام در مقام انسان کامل»، *فصلنامه کتاب زنان سابق (مطالعات راهبردی زنان)*، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، سال دهم، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۷ ش.
۵۰. واقدی، محمد بن عمر، *مغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر علیهم السلام)*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.